

متن‌شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان  
دوره جدید، شماره ۲، (پیاپی ۲۶) تابستان ۱۳۹۴، ص ۳۲- ۲۱

## مردمی یا مرد، می نقد، تحلیل و گزارش بیتی از رودکی سمرقندی

علی صباغی<sup>۱</sup> - حسن حیدری<sup>۲</sup>

### چکیده

رودکی سمرقندی از سرآمدان قلمرو شعر پارسی در سده سوم و چهارم هجری است که از انبوه اشعار او تنها حدود هزار بیت، آن هم به گونه پراکنده و برگرفته از میان آثار دیگر به دست ما رسیده است. فقدان نسخه کهن و اصیل، فاصله زمانی، دگرگونی‌های زبان فارسی، ضبط‌های مختلف منابع ثانوی و مواردی از این دست سبب شده است تا قرائت و مفهوم برخی از همین بیت‌های اندک این شاعر، دشوار و دیریاب گردد. در این جستار قرائت‌های گوناگون و معانی ارائه شده مصححان از یک بیت خمیّه مشهور رودکی به روش مقایسه‌ای - تحلیلی نقد و بررسی شده است. حاصل پژوهش بیانگر آن است که بر اساس موازین سبک‌شناسی، قواعد دستور تاریخی زبان فارسی، شواهد درون‌متنی و شواهد برون‌متنی، قرائت متعارف بیت رودکی مقرون به صحت نیست. در نهایت، این مقاله ضبط صحیح بیت را پیشنهاد کرده، معنا و تفسیر آن را با این قرائت به دست داده است.

### واژه های کلیدی

دیوان رودکی، تصحیح متن، سبک‌شناسی، دستور تاریخی.

### مقدمه

وقتی از یک متن، نسخه خطی صحیح، معتبر و نزدیک به زمان مؤلف در دسترس نباشد و دگرگونی‌های زبانی و فاصله زمانی هم بر آن افزوده شود، تصحیح آن با دشواری بیشتری همراه می‌شود. این امر به نوبه خود در روند خوانش و فهم معنا نیز اختلال ایجاد می‌کند. در حالی که پایه هر گونه نقد و تحقیق درست در متن، ضبط صحیح و نقد متن است (ر.ک: مایل هروی، ۱۳۶۹: ۲۵۴). محقق در چنین مواردی ناگزیر است از دانش‌های سبک‌شناسی، تاریخ ادبیات،

\* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک، ایران (نویسنده مسئول) a-sabaghi@araku.ac.ir

\*\* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک، ایران

تاریخ زبان و جز آن کمک بگیرد تا از راه تصحیح قیاسی به متن منقحی دست یابد و آن را اساس پژوهش قرار دهد. یکی از شاعرانی که دیوانشان نیازمند چنین نگرشی است، رودکی سمرقندی - ملقب به آدم الشعرا و پدر شعر فارسی - از سرایندهگان توانای سبک خراسانی در سده سوم و چهارم هجری است. با وجود تلاش‌ها و مساعدت‌های کسانی چون براگینسکی، نفیسی، شعار، امامی همچنان نکات مبهم و محل اختلاف در بیت‌های بازمانده او وجود دارد.

### اهمیت تحقیق

از آنجا که اشعار رودکی به عنوان متن درسی دانشگاهی تدریس می‌شود، لازم است ابهام‌ها و دشواری‌های اشعار وی برپایه اصول و موازین علمی برطرف گردد تا هم پژوهشگران منظور و مقصود رودکی را به روشنی و درستی دریابند و هم دانشجویان در بین معانی و شرح‌های مختلف سردرگم نمانند.

### پیشینه بحث

منابع و مآخذی که در باب بیت مورد بحث و ضبط و معنای آن مطلبی دارند، همان‌ها هستند که بیت‌های بازمانده رودکی را جمع و شرح کرده‌اند مثل: محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی از سعید نفیسی، آثار منظوم رودکی زیر نظر براگینسکی، تصحیح دیوان رودکی به کوشش جعفر شعار، نصرالله امامی و منوچهر دانش‌پژوه و چندین گزیده درسی از رودکی به کوشش اسماعیل حاکمی، نصرالله امامی، خلیل خطیب رهبر و دیگران.

درباره موضوع این جستار به صورت خاص نیز بحث‌هایی میان صاحب‌نظران درگرفته است و دو موضوع چگونگی ضبط متن شعر و در پی آن مفهوم و معنی بیت محل تأمل پژوهشگران بوده است. از جمله پیشنهاد ملک‌الشعراء بهار و ایراد عباس اقبال در باب تصحیح و مفهوم بیت مورد بحث در مجله دانشکده (بهار، ۱۳۷۰: ۵۹۳ - ۵۸۲)، مقاله‌ای در نقد کتاب «پیشاهنگان شعر فارسی به کوشش محمد دبیرسیاقی» (۱۳۵۴) از جمشید مظاهری سروشیار و نیز اختلاف‌هایی که در دیوان رودکی، گزیده‌ها و شرح‌های آن در ضبط و گزارش این بیت نوشته شده، قابل ذکر است.

این مقاله بر آن است تا با بهره‌گیری از منطق قیاسی و شیوه تحلیلی پاسخگوی این پرسش‌ها باشد:

۱- از میان خوانش‌های متعدد بیت رودکی، کدام یک می‌تواند اصیل باشد؟

۲- چه عاملی سبب پیدایی قرائت‌های گوناگون بیت مورد نظر شده است؟

۳- چه دلایلی برای انتخاب ضبط مختار می‌توان اقامه کرد؟

۴- با توجه به گزینش ضبط مورد نظر، معنا و مفهوم بیت چیست؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، نخست ضبط بیت رودکی را از منابع متعدد نقل می‌کنیم و سپس ضبط پیشنهادی را ارائه می‌نماییم. در ادامه، دلایل انتخاب این ضبط را بر اساس محورهای سبک‌شناختی، بلاغی، رسم‌الخط فارسی، شواهد درون متنی از دیوان رودکی و شواهد برون‌متنی از آثار منظوم و مثنوی دیگر بیان می‌کنیم و آنگاه به گزارش و شرح بیت می‌پردازیم.

### ۱. ضبط بیت در دیوان رودکی و منابع دیگر

در ضبط متن خمیریۀ رودکی به ویژه بیت مطلع آن اختلاف‌هایی در چاپ‌های متعدد دیوان رودکی و منابعی که این شعر

را نقل کرده‌اند، پدید آمده که بحث دربارهٔ ضبط پیشنهادی و معنا و مفهوم بیت را دامن زده است و پژوهشگران بر اساس گزینش ضبط در متن مصحح خود به شرح و تفسیر آن مبادرت کرده‌اند. برای رعایت اختصار و پرهیز از تکرار، ضبط‌های مختلف مطلع این قطعه را به ترتیب الفبایی پژوهشگران در جدول درج می‌کنیم و سپس گزارش آنها را بررسی و تحلیل می‌نماییم.

منبع	نحوهٔ ضبط مصراع دوم	نحوهٔ ضبط مصراع نخست
(اقبال، ۱۳۷۰: ۵۸۴)	آزاده <u>ترا</u> از دم خرید	می آرد شرف <u>مردمی</u> پدید
(براهینسکی، ۱۹۵۸: ۴۶۳)	آزاده <u>نژاد</u> از دم خرید	می آرد شرف <u>مردمی</u> پدید
(بهار، ۱۳۷۰: ۵۸۳)	و آزاده <u>برون</u> از دم خرید	می آرد شرف <u>مردمی</u> پدید
(خطیب رهبر، ۱۳۸۸: ۳۰)	و آزاده <u>نژاد</u> از دم خرید	می آرد شرف <u>مرد</u> ، می پدید
(دانش پژوه، ۱۳۸۳: ۲۵)	و آزاده <u>نژاد</u> از دم خرید	می آرد شرف <u>مرد می</u> پدید
(دبیرسیاقی، ۱۳۷۴: ۳۱)	آزاده <u>نژاد</u> از دم خرید	می آرد شرف <u>مردمی</u> پدید
(شعار، ۱۳۸۲: ۲۵)	آزاده <u>نژاد</u> از دم خرید	می آرد شرف <u>مردمی</u> پدید
(شمس قیس، ۱۳۴۶: ۱۶۷)	آزاده <u>نژاد</u> از دم خرید	می آرد شرف <u>مردمی</u> بَدید
(صفا، ۱۳۵۴: ۲/۱)	و آزاده <u>نژاد</u> از دم خرید	می آرد شرف <u>مردمی</u> پدید
(فرزاد، ۱۳۴۹: ۴۸۸ و ۴۹۶)	و آزاده <u>نژاد</u> از دم خرید	می آرد شرف <u>مردمی</u> پدید
(فروزانفر، ۱۳۶۹: ۲۵)	و آزاده <u>نژاد</u> از دم خرید	می آرد شرف <u>مردمی</u> پدید
(نفیسی، ۱۳۴۱: ۴۹۹)	آزاده <u>نژاد</u> از دم خرید	می آرد شرف <u>مردی</u> پدید
(نفیسی، ۱۳۸۲: ۵۲۲)	آزاده <u>نژاد</u> از دم خرید	می <u>آردی</u> شرف <u>مردی</u> پدید

بیشتر پژوهشگران ایرانی نام برده در جدول بالا، اساس کار خود را بر مبنای کتاب "محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی" از سعید نفیسی قرار داده‌اند و نفیسی خود به سه منبع ارجاع داده است: المعجم فی معاییر اشعار العجم (بدون اطلاعات نشر)؛ المعجم فی معاییر اشعار العجم (تهران: ۱۳۱۴) و آثار ابو عبدالله رودکی (استالین‌آباد: نشریات دولتی تاجیکستان، ۱۹۵۸م). گفتنی است اگر نفیسی، قرائت براگینسکی و قرائت شمس قیس را اساس قرار داده باشد ضبط اشتباه "مردی" به جای "مردمی" یا "مرد، می" در مصراع نخست از سوی وی سبب شده است تا در چاپ‌های دیگر دیوان رودکی به تبعیت از او این خطا تکرار گردد. از سوی دیگر بنا به نوشتهٔ ملک الشعرا بهار، مصراع دوم این خمیسه فقط در المعجم طبع بیروت وجود دارد و ضبط آن نسخه [آزاده تر از دم خرید یا آزاده ترا ز دم خرید] به تحقیق غلط است (ر.ک: بهار، ۱۳۷۱: ۱/ ۲۲۴ و ۲۲۸).

به عقیدهٔ نگارندگان با توجه به دلایلی که در ادامه خواهد آمد از میان ضبط‌های دوازده‌گانه، ضبط خطیب رهبر و دانش پژوه به صورت زیر مقرون به صحت است:

می آرد شرفِ مرد، می پدید      و آزاده نژاد از دم خرید

## ۲. بررسی سبک‌شناختی

برای تأیید ضبط پیشنهادی این بیت، در بررسی سبک‌شناختی با تکیه بر سطح زبانی به بررسی موسیقی بیرونی و سطح

نحوی بیت از طریق دستور تاریخی پرداخته می‌شود و در بررسی سطح ادبی بیت به محور بلاغی از منظر علم معانی اشاره‌ای خواهد شد.

## ۲.۱. سطح آوایی (موسیقی بیرونی)

اگر قرائت مشهور بیت رودکی را بر اساس چاپ نفیسی و متابعان وی بپذیریم، اشکال عروضی در بیت آشکار می‌شود. به این صورت که دو هجای کوتاه - یکی از مصرع نخست و دیگری از مصرع دوم - ساقط می‌گردد که توجیه آن با توجه به روانی وزن در سایر مصرع‌ها موجه نیست؛ به دیگر سخن اگر در مصرع نخست «مردی» را اصل قرار دهیم یک هجای کوتاه از مصرع ساقط می‌شود و اگر مصرع دوم را بدون «واو آغازی» بخوانیم از این مصرع نیز یک هجای کوتاه کم خواهد شد؛ بنابراین با توجه به موسیقی بیرونی شعر و شواهد کاربرد واو آغازی در سبک خراسانی ضبط پیشنهادی شعر چنین خواهد بود:

می آرد شرف مرد، می‌پدید و آزاده نژاد از درم خرید

و تقطیع هجایی آن این گونه خواهد بود:<sup>۱</sup>

م - یا - رد - ش || ر - ف - م - ر - د || می - پ - دید  
و - آ - زا - د || ن - ژا - دز - د || ر - م - خ - رید

وزن این قطعه مفاعیلُ مفاعیلُ فاعِلان در بحر قریب مسدس مکفوف مقصور است<sup>۲</sup> (ر.ک: مدرسی، ۱۳۸۴: ۱۵۴). گفتنی است که واو آغازی در صدر مصرع دوم که به صورت یک هجای کوتاه و بدون اتصال به کلمه بعدی به صورت «و: (va) تلفظ و تقطیع می‌شود، تصحیح قیاسی است که ملک الشعراء بهار پیشنهاد کرده است (ر.ک: بهار، ۱۳۷۹: ۵۸۳). کاربرد «واو آغازی» در شعر سبک خراسانی و از جمله در دیوان رودکی شواهد متعدد دارد:<sup>۳</sup>

سپید برف برآمد به کوهسار سیاه و چون درونه شد آن سرو بوستان آرای  
و آن کجا بگوارید ناگوار شده‌ست و آن کجا نگزایست گشت زودگزی  
(رودکی، ۱۳۸۲: ۶۲)

در قصیده نونیه رودکی، مصرع دوم سه بیت متوالی با این واو عطف آغاز شده است مانند:

همان که درمان باشد به جای درد شود و باز درد همان کز نخست درمان بود  
کهن کند به زمانی همان کجا نو بود و نو کند به زمانی همان که خلقان بود  
بسا شکسته بیابان که باغ خرم بود و باغ خرم گشت آن کجا بیابان بود  
(رودکی، ۱۳۸۲: ۲۳ - ۲۲)

## ۲.۲. سطح نحوی

"پدید آوردن" در بیت رودکی فعل مرکب است. "آوردن" جزء فعلی و هسته فعل مرکب است و به عنوان فعلِ یاور یا فعلِ کمکی یا به تعبیر خانلری هم‌کردِ غالب تلقی می‌شود (ر.ک: فرشیدورد، ۱۳۸۳: ۴۶۷). "پدید" جزء غیر فعلی است که فعلیار خوانده می‌شود. فعلیار خود می‌تواند اسم، قید یا صفت اسنادی و ... باشد. در این بیت فعلیار "پدید" قید است و "پدید آوردن" یعنی آشکار کردن.

کاربرد «می» با دو تفسیر در این بیت قابل توجه است. نخست اینکه «می» مخفف همی، کلمه مستقل است و هر دو

کلمه یاد شده - می و همی - قیدند که بر استمرار دلالت می‌کنند (ر.ک: ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۲۳۳). با این تعبیر «می» در بیت رودکی عنصری است مستقل که نقش قید تأکید را دارد به معنی همانا و دلیل استقلال آن فاصله گرفتنش از فعل است (ر.ک: فرشیدورد، ۱۳۵۲: ۵ / ۳۳۵). دیگر اینکه «می» به عنوان پیشوند صرفی فعل مضارع است که از فعل جدا شده به معنی تأکید یا تأکید و استمرار آمده است (ر.ک: خانلری، ۱۳۷۴: ۲ / ۲۷۸؛ خطیب رهبر، ۱۳۸۸: ۳۰ و سروشیار، ۱۳۵۴: ۸۷۲). از این شیوه کاربرد «می» شواهد متعددی در دیوان رودکی به چشم می‌خورد مانند: می بسوزد، می نتوان کرد و می نبینم (ر.ک: رودکی، ۱۳۸۲: ۱۱، ۱۹ و ۷۱). فاصله افکندن بین فعلیار یا فعل کمکی یا پیشوند با فعل اصلی محدود به شعر سبک خراسانی و رودکی نیست بلکه در متون نثر نیز شواهد بسیار دارد؛ بنابراین افتادن فاصله بین اجزای فعل مرکب، به ضرورت وزن منتفی است:

و از مردمان کسست که می پیکار کند در هستی خدای بفی‌دانشی، او پس‌روی کند هر دیو ستنه را. (ترجمه قرآن موزه پارس، ۱۳۵۵: ۴۱)

می سوگند یاد کند خدای به محمد (ترجمه قرآن موزه پارس، ۱۳۵۵: ۱۷۸)<sup>۴</sup>

می گواهی دهم که تو پسر پیغمبری و من اینجا به تجربت حلم تو آمدم (هجوی، ۱۳۸۳: ۱۰۸).

بینی که اسب توسن را به ریاضت از صفت ستوری می به صفت مردمی آزند تا اوصاف اندر وی مبدل گردانند. (هجوی، ۱۳۸۳: ۳۰۳)

آب ریزد بر زمین می تا بروید زو شجر

(ناصرخسرو، ۱۳۷۸: ۱۷۶)

نبود آگه کس از نام و نشانت

(ناصرخسرو، ۱۳۷۸: ۲۱۷)

بودنی از چه می پدید آید؟

دل ما می چگونه برپاید!

(ناصرخسرو، ۱۳۷۸: ۲۲۴-۲۲۳)

مـر شـما را دیگـران را آورد

می پدید آرد ز نو خلق دگر

(داورپناه، ۱۳۷۵: ۹ / ۳۰۳)

نیست جز دولاب‌گردون چون به گشتن‌های خویش

زمانی اندرو می خاک خوردی

چون همی بوده‌ها بفرساید

... وین کهن‌گشته گندپیر گران

ایها الناس ار خدا خواهد برد

این خلائق را کند زیر و زبر

نتیجه آن که هر دو صورت یاد شده کاربرد «می» در بیت رودکی، یک ویژگی زبانی - سبکی محسوب می‌شود و قواعد هر دو نوع کاربرد در منابع دستور تاریخی زبان فارسی بیان شده است (ر.ک: فرشیدورد، ۱۳۵۲: ۵ - ۳۳۴؛ ۳۳۷؛ ۴۱۲ - ۴۰۸؛ ۴۸۸ - ۴۸۳ و ۵۵۱ - ۵۴۱).

### ۲.۳. محور بلاغی

بر اساس هنجار بلاغی ادبیات کلاسیک، کل این قطعه رودکی از نظر علم معانی دارای اطناب است و شاعر در آن از خاصیت می و تأثیر آن در پهلوانان و مردان سخن گفته است. در بیت نخست اطناب از نوع ذکر خاص پس از عام است (ر.ک: تفتازانی، ۱۴۱۶: ۲۹۲). به این معنی که در مصرع نخست حکم کلی و عام این است که می شرف مرد را

پدید می‌آرد و در مصراع دوم مصادیق مرد - آزاده نژاد، درم‌خرید، - به صورت خاص مشخص و مراد از تعبیر پیدایی شرف مرد، ایضاح شده است. نکته اینجاست که اگر تعبیر مردمی (= انسانیت) را بپذیریم، این هنجار از بین می‌رود و رسایی و شیوایی مفهوم بیت مخدوش می‌شود. در بیت دوم اطناب از گونه تکرار و نیز تذلیل است و شاعر بیت نخست را عکس کرده است؛ یعنی «فراوان هنر است اندر این نبید» در مصراع دوم حکم کلی است که در مصراع نخست «می‌پدید آرد آزاده از بداصل» مصداق خاص یکی از هنرهای فراوان نبید است که در بیت پیشین گفته شده بود (ر.ک: طبیبان، ۱۳۸۸، ۲۶۵ و ۲۶۹).

### ۳. رسم‌الخط فارسی

به نظر می‌رسد یکی از دلایل دشواری خوانش صحیح این بیت به رسم‌الخط فارسی مربوط است. اگر مرز کلمه - واحد مستقل زبانی - در رسم‌الخط فارسی مشخص و رعایت شود و نیز فاصله برون‌کلمه‌ای و درون‌کلمه‌ای در نگارش لحاظ شود خواندن متن آسان‌تر شده، مشکلی در درک مفهوم به وجود نخواهد آمد. به دیگر سخن، دشواری خوانش این بیت رودکی از آنجاست که تعبیر «مردمی» یا «مرد، می» را یک یا دو واحد زبانی بدانیم و برای هر کدام توجهی داشته باشیم: (یک واحد زبانی: مردم + ی پسوند) (دو واحد زبانی: مرد + می).

اگر بر اساس دستور تاریخی در این بیت معتقد باشیم که سه واحد «می، پدید، آرد» داریم و می - مخفف همی - نقش قید دارد و برای تأکید به معنی همانا آمده است یا دو واحد «پدید، می‌آرد» داریم که «می» پیشوند صرفی فعل است که بنا به قاعده دستور تاریخی از فعل فاصله گرفته و پیش از جزء غیر فعلی در فعل مرکب آمده است (می پدید آرد: پدید می‌آرد) و این مطلب را در رسم‌الخط نیز رعایت کنیم، دشواری خوانش و تحلیل از میان خواهد رفت. البته رعایت فاصله درون‌کلمه‌ای و برون‌کلمه‌ای یا رعایت عدم فاصله، نیم فاصله و یک فاصله که در رسم‌الخط رایج‌ترین پیشنهاد شده است (ر.ک: صلح‌جو، ۱۳۸۶: ۳۶ - ۲۵) در دست‌نوشته‌ها مراعات نشده کاتبان بسته به نوع خط و رسم‌الخط رایج زمان و سلیقه شخصی خویش قلم به دست گرفته‌اند.

### ۴. مفهوم بیت در شرح‌ها و گزیده‌ها

اقبال آشتیانی ضبط مصراع دوم را بر اساس چاپ المعجم فی معاییر اشعار العجم چنین آورده: «آزاده تو را از درم خرید» و بیت را این گونه معنی کرده است: «می شرف مردمی پدید آرد و آزاده تو را از درم خرید پدید آرد» (اقبال، ۱۳۷۰: ۵۸۴).

ملک الشعراء بهار در انتقاد از این ضبط پیشنهاد کرده که مصراع دوم باید اینگونه تصحیح قیاسی شود: «و آزاده برون از درم خرید»؛ و در توضیح آن آورده است که فعل مستقل در این بیت "آرد" در مصراع اول است که یک بار با کلمه "پدید" و بار دیگر با کلمه "برون" همراه شده است به این معنی که بهار "پدید آوردن" را فعل مرکب ندانسته بر این عقیده است که کلمه‌هایی مانند برون و پدید جزء ترکیبات نحوی واقع می‌شوند. ایشان وجود "او" در آغاز مصراع دوم را دلیل حذف فعل "آرد" دانسته است (ر.ک: بهار، ۱۳۷۱: ۱/ ۲۲۸). در نهایت هم معنای پیشنهادی بهار این است که «می شرف انسان را آشکار سازد و آزاده را از زرخرید ممتاز نماید» (بهار، ۱۳۷۱: ۱/ ۲۳۱).

ذبیح الله صفا قرائت مرّومی را پذیرفته در گزارش آن مفهوم «مردمی» را به دو صورت: انسان (با یاء نسبت)، آدمیت (با یاء مصدری) در پاورقی آورده است (ر.ک: صفا، ۱۳۵۴: ۲/۱).

جعفر شعار در دیوان رودکی چاپ خویش که اغلاط بسیار در آن راه یافته است<sup>۵</sup> قرائت «مردمی به معنای انسانیت» را پذیرفته و قرائت «مرد، می پدید» را به صورت مبهم و بدون ذکر نام و نشان به برخی پژوهشگران نسبت داده، در پایان توضیح علامت سؤال گذاشته است: «به قرائت برخی: می آرد شرف مرد می پدید: می شرف مرد را پدید می آرد» (رودکی، ۱۳۸۲: ۲۵).

دبیرسیاقی قرائت مردمی را پذیرفته و در معنای بیت نوشته است: «می بزرگی و شرف آدمی را آشکار می سازد و سبب می شود که آزادمرد از درم خرید (بنده) بازشناخته شود» (دبیرسیاقی، ۱۳۷۴: ۳۱).

دانش پژوه به ظاهر قرائت «مرد می» را پذیرفته و در آغاز مصراع دوم «و» افزوده است. وی در توضیح بیت نوشته است: «می شرف انسان را پدیدار می کند، چون می خواره ممکن است دست به کارهایی بزند که موجب ریختن آبرویش شود، می مردم آزاده را از بندگان و بردگان متمایز می کند» (رودکی، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

خلیل خطیب رهبر با قطعیت و با استفاده از نشانه‌های نگارشی قرائت «مرد، می» را اصل دانسته است. او در توضیح مفهوم بیت نوشته است: «مرد: انسان، مردم؛ می: پیشوند فعل برای تأکید و گاهی تأکید و استمرار، می پدید آرد: همانا پدید آورد. معنی بیت: می بزرگی و شرف انسان را آشکار می کند و آزاده مرد و بنده زر خرید را از یکدیگر باز می شناساند» (رودکی، ۱۳۸۸: ۳۰).

از میان این گزارش‌ها، خوانش و تفسیر خطیب رهبر و دانش پژوه به صورت - می آرد شرف مرد، می پدید || و آزاده نژاد از درم خرید - با معیارهای سبک‌شناختی به ویژه موسیقی بیرونی قطعه و سطح بلاغی بیت و قواعد دستور تاریخی هماهنگ‌تر است.

##### ۵. شواهد برون متنی

قرائت «شرف مرد» و «پدید آوردن آزاده از درم خرید» را شواهدی از مینوی خرد، شاهنامه، گرشاسب‌نامه، نوروزنامه و دیوان حافظ تأیید می‌کند که در زیر به اختصار آنها را می‌آوریم.

مینوی خرد در پاسخ پرسش پانزدهم دانا می‌گوید:

«درباره می پیداست که گوهر نیک و بد به می آشکار تواند شد ... و هرکه می بر او تازد و خویشتن را بتواند نگاه دارد در گوهرش پژوهش کردن لازم نیست. چه مرد نیک‌گوهر چون می خورد مانند جام زرین و سیمین است که هر چه بیشتر آن را بیافروزند (= صیقل دهند) پاک‌تر و روشن‌تر می‌شود و اندیشه و گفتار و کردار (خویش را) نیک‌تر دارد و نسبت به زن و فرزند و همالان (= دوستان، یاران) دوست‌تر و چرب‌تر و شیرین‌تر شود و به هر کار نیک کوشاتر شود و مرد بدگوهر چون می خورد خویشتن را از اندازه بیشتر اندیشد و پندارد و با همالان نبرد کند و چیرگی نشان دهد و افسوس (= مسخره) و استهزاء کند و مردم نیک را تحقیر کند و به زن و فرزند و مزدور و بنده و پرستار خویش آزار رساند و مهمانی نیکان را برهم زند و آشتی را ببرد و قهر آورد» (تفضلی، ۱۳۵۴: ۳۳ - ۳۲).

فردوسی در اثر آشنایی با منابع ادبیات پهلوی مانند مینوی خرد و شاید با تأثیرپذیری از همین قطعه رودکی است که

در خطبه داستان گشتاسب و کتیون چنین سروده است:

ز دل زنگ و از روی آژنگ و ژنگ	ز دل زنگ و از روی آژنگ و ژنگ
دل زنگ خورده ز تلخی سخن	دل زنگ خورده ز تلخی سخن
چو پیری درآرد زمانه به مرد	چو پیری درآرد زمانه به مرد
* به مرد اندرون باده آرد پدید	* به مرد اندرون باده آرد پدید
* که را گوهرش پست و بالا بلند	* که را گوهرش پست و بالا بلند
* که را گوهرش برز و بالاش پست	* که را گوهرش برز و بالاش پست
* چو بی‌دل خورد مرد گردد دلیر	* چو بی‌دل خورد مرد گردد دلیر
* چو پژمان خورد شادمانه شود	* چو پژمان خورد شادمانه شود
* ایا آنک گوهر تو آری پدید	* ایا آنک گوهر تو آری پدید
چرا چونک گیرم ترا من به چنگ	چرا چونک گیرم ترا من به چنگ
ز من داستان خواهی از باستان	ز من داستان خواهی از باستان

(فردوسی، ۱۳۸۹: ۵/ ۳-۴)

در بیت‌های بالا تعبیرهای فرزانه گوهر و پلید، بیان دیگری از آزاده نژاد و بداصل شعر رودکی است. هم چنین تعبیر «به مرد اندرون باده آرد پدید ...»<sup>۷</sup> و خطاب فردوسی به می «ایا آنک گوهر تو آری پدید» دقیقاً منطبق با مضمون مینوی خرد و بیت رودکی است.

در گرشاسب‌نامه همین مضمون چنین بیان شده است:

عروسی است می شادی آیین او	عروسی است می شادی آیین او
ز دل برکشد می تف و درد و تاب	ز دل برکشد می تف و درد و تاب
چو بیداست و چون عود تن را گهر	چو بیداست و چون عود تن را گهر
گهر چهره شد آینه شد نبید	گهر چهره شد آینه شد نبید
دل تیره را روشنایی می است	دل تیره را روشنایی می است
بدل می کند بددلان را دلیر	بدل می کند بددلان را دلیر
به رادی کشد زفت و بدمرد را	به رادی کشد زفت و بدمرد را
به خاموش چیره زبانی دهد	به خاموش چیره زبانی دهد
خورش را گوارش می افزون کند	خورش را گوارش می افزون کند

(اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۲۸ - ۲۷)

در نوروزنامه منسوب به خیام در «حکایت اندر منفعت شراب» چنین آمده است:

... و خاصیتش [شراب] آن است که ... بخیل را سخی و بددل را دلیر کند ... و گروهی زیرکان شراب را محک مرد خوانده‌اند و گروهی ناقد عقل و گروهی صراف دانش و گروهی معیار هنر و بزرگان شراب را صابون الهم خوانده‌اند و گروهی مفرح الغم و هرکه پنج قدح شراب ناب بخورد آنچه اندر اوست از نیک و بد از او سرآید و گوهر خویش پدید کند و بیگانه را دوست گرداند و اندر دوستی بیفزاید (خیام، ۱۳۸۵: ۸۴ - ۸۳).



حافظ شیرازی نیز با ایهام سازی معهود خویش، همین مضمون را در یک مصرع جاودان ساخته است:

صوفی از پرتو می راز نهانی دانست      گوهر هرکس از این لعل توانی دانست

(حافظ، ۱۳۸۷: ۱۲۷)

علاوه بر شواهد برون‌متنی یاد شده درباره تأثیر می در آشکار کردن شرف و گوهر مرد، کاربرد تعبیر «شرف مرد» در شعر شاعران سبک خراسانی و ادوار بعد، خوانش شرف مرد را بیشتر تقویت می‌کند مثلاً در شعر ناصرخسرو:

بلکه به جانست، نه به تن، شرف مرد      نیست جسدها همه مگر گل مسنون

(ناصرخسرو، ۱۳۷۸: ۸)

شرف مرد به علمست شرف نیست به سال      چه درائی سخن یافه همی خیره بخیر؟

(ناصرخسرو، ۱۳۷۸: ۲۲۰)

نکته دیگری که به خوانش و روشن شدن مفهوم بیت یاری می‌رساند، دقت در معنی واژه «مرد» در فرهنگ‌ها و شعر رودکی و اشعار سخنوران معاصر وی است. یکی از معانی کلمه «مرد» در این منابع؛ دلاور، مبارز، هنری و اهل ننگ و نبرد و ... یاد شده است: (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل مرد)

حاتم طایی تویی اندر سخا      رستم دستان تویی اندر نبرد

نی که حاتم نیست با جود تو راد      نی که رستم نیست در جنگ تو مرد

(رودکی، ۱۳۸۲: ۵۴)

### نتیجه

از بررسی بیت رودکی در محورهای سبک‌شناختی (۱. زبانی: موسیقایی و نحوی؛ ۲. بلاغی)، دستور تاریخی زبان فارسی و شواهد برون‌متنی نتایج زیر به دست می‌آید:

۱- بر اساس قواعد موسیقی شعر، مصرع نخست بیت بر وزن: مفاعیلُ مفاعیلُ فاعلان، با قرائت «می آرد شرف مرد، می پدید» صحیح‌تر است.

۲- بر اساس قواعد دستور تاریخی و هنجار زبانی سبک خراسانی باید این سه نکته را در نظر داشت:

الف- بین پیشوند صرفی و فعل و نیز بین اجزای فعل مرکب (می + پدید + آرد) فاصله افتاده است.

ب- «می» پیشوند صرفی فعل مضارع است یا به صورت مستقل در مصراع نخست قید است.

ج- شروع مصرع دوم با حرف پیوند و (va) براساس متون هم دوره و سایر دوره‌ها یک هنجار سبکی است.

۳- بر اساس قواعد علم معانی، بیت مورد بحث به همراه بیت‌های بعد دارای اطناب از نوع ذکر خاص پس از عام است.

۴- شواهد برون‌متنی کهن و متأخر، «تأثیر می در شرف مرد» و ترکیب اضافی «شرف مرد» را بیشتر تقویت و تایید می‌کند.

۵- در نهایت بر اساس ضبط پیشنهادی معنای بیت چنین است: [همانا] می بزرگی ذاتی و بلندی حسب مرد را آشکار کرده آزاده نژاد را از بنده زرخرد متمایز می‌کند.

## پی نوشت

- ۱- برای دیدن تقطیع کامل این قطعه بنگرید به: داود اسپرهم، «موسیقی و خوانش اشعار رودکی» در فصلنامه زبان و ادب پارسی، ۳۸ (زمستان ۱۳۸۷)، ص ۱۱۶.
- ۲- محبوب بحر این قطعه را قریب اُخر مکفوف الصدیرین نوشته است. بنگرید به: محمد جعفر محبوب، سبک خراسانی در شعر فارسی (تهران: فردوس و جامی، بی تا)، ص ۴۳.
- ۳- برای دیدن نمونه‌های بیشتر این کاربرد بنگرید به: محمد جعفر محبوب، سبک خراسانی در شعر فارسی (تهران: فردوس و جامی، بی تا)، ص ۳۴ و ۴۲.
- ۴- برای دیدن نمونه‌های دیگر این کاربرد بنگرید به همان کتاب صفحه ۱۰۶ (او تو یا محمد می به دهن تو دهند قرآن)، ۴۲۰ (خدای می سوگند یاد کند به صبح که بدمد) و ص ۴۳۲ (بینی تو یا محمد آن را که می نهی کند و فاز دارد).
- ۵- به عنوان نمونه در همین قطعه در بیت آخر «به جهان در» به صورت «به جهان در» ضبط شده است. برای دیدن نمونه‌های دیگر از این گونه خطاها بنگرید به: ص ۳۲ بیت ۳ (شگفت لاله که صحیح آن شکفت لاله است) ص ۵۳ بیت ۶ (نانش که صحیح آن نانش است) و نیز ص ۶۲ بیت ۱۱۵ و ص ۸۱ بیت ۱۲۹ و موارد متعدد دیگر (رودکی، ۱۳۸۲).
- ۶- این بیت و بیت قبلی شاهنامه را بسنجید با بیت رودکی:

زفت شود رادمرد و سست دلاور      گر بچشد زوی و روی زرد گلستان  
(رودکی، ۱۳۸۲: ۳۴)

- ۷- برای نمونه درباره تأثیر می در می‌خواره بنگرید به «گفتار اندر حرام کردن شراب را؛ پادشاهی بهرام گور» در: فردوسی ابوالقاسم، شاهنامه، دفتر ششم، به کوشش جلال خالقی مطلق و محمود امیدسالار (تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۹)، صص ۴۴۵ - ۴۴۰.

## منابع

- ۱- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۷۵). *دستور تاریخی زبان فارسی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- ۲- اسدس طوسی، ابونصر علی بن احمد. (۱۳۵۴). *گرشاسب نامه*. تهران: کتابخانه طهوری.
- ۳- اسپرهم، داود. (۱۳۸۷). *موسیقی و خوانش اشعار رودکی*. فصلنامه زبان و ادب پارسی، شماره ۳۸، صص ۱۲۷ - ۱۰۷.
- ۴- اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۷۰). *انتقاد ادبی*. مجله دانشکده. شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۵۸۷ - ۵۸۲.
- ۵- بهار، محمدتقی. (۱۳۷۰). *انتقاد ادبی*. مجله دانشکده، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۵۹۳ - ۵۸۸.
- ۶- ----- (۱۳۷۱). *بهار و ادب فارسی*. به کوشش محمد گلبن. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی و امیر کبیر.
- ۷- ترجمه قرآن موزه پارس (۱۳۵۵). مترجم ناشناس. به کوشش علی رواقی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۸- تفتازانی. (۱۴۱۶ هـ. ق.). *المطول*، بهامشه و حاشیه السید میر شریف. قم: مکتبه الداوری.
- ۹- تفضلی، احمد. (۱۳۵۴). *مینوی خرد*. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۰- داور پناه ابوالفضل. (۱۳۷۵). *انوار العرفان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات صدر.

- ۱۱- دبیرسیاقی، محمد. (۱۳۷۴). *پیشاهنگان شعر فارسی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۲- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*. تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۳- رودکی، جعفر بن محمد. (۱۳۸۲). *دیوان شعر رودکی*. تصحیح و شرح جعفر شعار. تهران: نشر قطره.
- ۱۴- ----- (۱۳۸۳). *دیوان رودکی*. شرح و توضیح منوچهر دانش‌پژوه. تهران: توس.
- ۱۵- صفا، ذبیح الله. (۱۳۵۴). *گنج سخن*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۶- طبیبیان، سیدحمید. (۱۳۸۸). *برابره‌های علوم بلاغت در فارسی و عربی*. تهران: امیرکبیر.
- ۱۷- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). *شاهنامه*. به کوشش جلال خالقی مطلق. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- ۱۸- ----- (۱۳۸۹). *شاهنامه*. به کوشش جلال خالقی مطلق و محمود امیدسالار. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- ۱۹- فرزاد، مسعود. (۱۳۴۹). *عروض رودکی*. خرد و کوشش، شماره ۷، صص ۴۹۸ - ۴۶۵.
- ۲۰- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۵۲). *دستور تاریخی زبان فارسی: پیشوند می و تحول آن در زبان فارسی*. ارمغان، شماره ۵ تا ۸، صص ۳۳۷-۳۳۴؛ ۴۱۲-۴۰۸؛ ۴۸۸-۴۸۳؛ ۵۵۱-۵۴۸.
- ۲۱- ----- (۱۳۸۳). *فعل و گروه فعلی و تحول آن در زبان فارسی*. تهران: سروش.
- ۲۲- لازار، ژیلبر. (۱۳۸۴) *شکل‌گیری زبان فارسی*. ترجمه مهستی بحرینی. تهران: هرمس و مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
- ۲۳- مایل هروی، نجیب. (۱۳۶۹). *نقد و تصحیح متون (مراحل نسخه‌شناسی و شیوه‌های تصحیح نسخه‌های خطی فارسی)*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۲۴- محجوب، محمد جعفر. (بی تا). *سبک خراسانی در شعر فارسی*. تهران: فردوس و جامی.
- ۲۵- مدرسی، حسین. (۱۳۸۴). *فرهنگ کاربردی اوزان شعر فارسی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۲۶- مظاهری (سروشیار)، جمشید. (۱۳۵۴). *پیشاهنگان شعر فارسی (به کوشش محمد دبیرسیاقی)*. *راهنمای کتاب*، دوره ۱۸، صص ۸۸۱ - ۸۶۹.
- ۲۷- میرزایف، عبدالغنی (۱۹۵۸) *ابو عبدالله رودکی*، استالین آباد: نشریات دولتی تاجیکستان.
- ۲۸- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۴) *تاریخ زبان فارسی*، ج ۲، تهران: نشر سیمرغ و نشر نو، چاپ پنجم.
- ۲۹- ناصر خسرو (۱۳۷۸) *دیوان اشعار ناصر خسرو*. تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳۰- نفیسی سعید. (۱۳۴۱). *محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی*. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- ۳۱- ----- (۱۳۸۲). *محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی*. تهران: اهورا، چاپ اول.
- ۳۲- هجویری، علی بن عثمان. (۱۳۸۳). *کشف المحجوب*. تصحیح محمود عابدی. تهران: سروش.

